

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

شاهد عینی  
۲۲ فبروری ۲۰۲۲

## تورخم یا گذرگاه حقارت و مرگ!

برخورد حاکمان و طبقات حاکم مسلط بر دو کشور همجوار ایران و پاکستان و به تبع آن نیرو های مرزی - امنیتی این دو کشور در قبال افغانستان و مردم سرافراز آن و به ویژه با مهاجران افغان همواره و به خصوص در طی بیش از چهار دهه اخیر جنگ و تجاوز به کشور ما، سوای برخورد سوجدویانه و ریاکارانه ناشی از منافع و مصلحت های مقطعی آنها؛ عظمت طلبانه، توسعه طلبانه و اهانت آمیز بوده است.

پس از شکست تجاوز و اشغالگری امپریالیست های امریکا - ناتو در کشور ما و سقوط سریع رژیم مزدور پوشالی آنان به ریاست مزدور فراری غنی، مزدوران تربیت شده طالبان در دامان امپریالیسم و ارتجاع حاکم کشور پاکستان به طور عمده، با تفاهم دوجانبه امپریالیستی - ارتجاعی، جای رژیم مزدور ساقط شده غنی را در ارگ کابل پر کردند. گسیل توطئه گرانه طالبان بر سریر امارت اسلامی، یعنی تسلط همه جانبه دولت و سازمان جاسوسی پاکستان بر همه شؤون زندگی مردم و بر مزدوران طالبان و از طریق آن، درازدستی، سلطه و نفوذ دول و سازمان های استخباراتی امپریالیستی شرق و غرب در افغانستان تحت سیطره مزدوران مرتجع طالب و امارت اسلامی آن.

در شرایط کنونی ابتر و دردانگیز ناشی از سیطره فاشیستی، شوونیستی و تمامیتخواهانه مزدوران طالبان و سلطه استعماری اربابان طالب بر کشور و بر سرنوشت خلق ستمدیده کشور ما با تحمیل سیاست های ضد ملی و ضد مردمی دیکته شده بر این گروه توأم با فقر و گرسنگی فراگیر؛ مردم خسته، نامنجم و ناآگاه کشور ما برای فرار از فقر تحمیلی و جهنم طالبان، به غیر از راه فرار، بنا به دلایل متعدد، در کوتاه مدت همه راه ها و در های دیگر به شمول ایستادن در میدان و دست زدن مستقلانه به مقاومت و مبارزه را در برابر خود بسته می بینند. ادامه این وضعیت به گسترش فضای ترور و اختناق، فقر و مصائب متعدد ناشی از آن، افزایش جرایم جنائی، بی خانمانی، کوچ های اجباری، آوارگی با همه پیامد های مصیبت بار آن و رو به رو شدن مردم آواره و محتاج ما با خطرات راه و اهانت های گوناگون آوارگی را، در پی دارد.

در چنین وضعی، در حالی که سفر هوایی به کشور های جهان به اکثریت تنگدست ما رؤیائی دست نیافتنی بیش نبوده و مرز های شمالی کشور به سوی کشور های همجوار و غیرهمجوار آسیای میانه و روسیه نیز مسدود گردیده است؛ دو راه سفر قانونی زمینی به روی افغانان باز است؛ یکی به کشور ایران و دیگری هم گذرگاه های مرزی تورخم و سپین بولدک به طرف پاکستان می باشد. با توجه به وضعیت ابتر و آشفته جاری کشور ما، نبود زعامت و اقتدار ملی و دولت

خدمتگذار مردم در کشور که این اقتدار و غرور ملی را تمثیل کند، توأم با مزدور پیشگی خودفروختگان طالب و بی پروائی آن گروه جنایتکار و ضد مردمی در قبال حالت زار، بی خانمائی، فقر و دربدری مردم که خود در ایجاد آن نقش داشته است؛ هر مسافری به رغم در دست داشتن پاسپورت افغانستان و ویژه کشور مقصد از میان این دو کشور همجوار ایران و پاکستان، مورد اخاذی، آزار و اذیت و اهانت نیرو های مرزی این دو کشور قرار می گیرند. گذر کردن از این مرز های زمینی به سوی مقصد در آن سوی مرز، همه مملو از حقارت بوده و خطر مرگ را با خود به همراه دارد.

برای عبور کردن از مرز تورخم به جانب پیشاور، باید حداقل ساعت یک شب از کابل به جانب تورخم حرکت کنی تا توانسته باشی سر وقت به قطار مسافران برسی. به دلیل ازدحام ناشی از هجوم تعداد زیادی از مسافران، به صد ها نفر قبل از رسیدن شما به مرز، شب را سحر نموده اند و شما باید به قطار عابران بپیوندید و آهسته آهسته گام بردارید. هزاران جوان بیکار در ساحه تورخم با کراچی های دستی خود ایستاده اند و با رسیدن مسافران به آن محل، التماس می کنند که آنها را کرایه نمایند و با انتقال اثاثیه توسط کراچی وارد قطار مسافران گردید؛ قطاری که معلوم نیست چه زمانی به مقصد عبور از مرز خواهد رسید. در این قطار مسافران که همانند مار سیاهی به طرف راه شتر ها امتداد دارد، اطفال، زنان و به خصوص مریضان زیادی که از فرط درد زیاد به خود می پیچند، در انتظار قرار دارند. اما در این انتظارگاه نه از تشناب خبری است و نه هم از غذا و اگر ضرورتی پیش بیاید، باید مکان خود را در صف طویل از دست بدهی و دو باره به جای خود قرار گرفته نمی توانی.

زمانی که در صف ایستاده اید، در جوار خود به صد ها دختر خردسال و پسرانی را می بینید که به پشت خود چند بسته سگرت و یا هم توپ رخت را قرار داده اند و منتظر پاسبانان سرحد اند تا از چشم آنها خود را پنهان نموده و دور از توجه آنها از مرز عبور نمایند. در جریان عبور از این مرز باید چندین بار شکنجه قبر را متحمل شوید. این اطفال که تا کنون از این زندگی بدبخت و لعنتی نه چیزی خورده و نه برده اند، باید در روز روشن عذاب بکشند و آن هم نه یک بار، بلکه چندین بار تا این که بتوانند محموله خود را به آن طرف مرز برسانند و در ازای آن چند پولی اخذ کنند. چه بسا از این دختران و پسران چندین تن شان به زیر تایر وسائط نقلیه سنگین وزن له شده و از این عذاب پایان ناپذیر زندگی بی غم شده اند.

اما این اطفال نه از بهر شادی و مصروفیت، بلکه جهت امرار معیشت فامیل های خویش که پدر و برادر خود را در جریان جنگ های طولانی از دست داده اند و به خانواده های خویش نان آور دیگری ندارند، باید این همه حقارت و خطرات مرگ را بپذیرند.

اما تأسف بار تر از این زمانی است که موتر های پاکستانی ها از مرز تورخم به طرف افغانستان عبور می نمایند، جهت اطراق شب، پسران نابالغ افغان را به داخل موتر های خویش همخوابه نموده و از آنها کام می گیرند. این چیز است که هر روزه در نزد چشمان سرمه نموده طالبان کرام با مو های چرکین صورت می گیرد و این دیوسان و خودفروختگان طالبی خمی به ابرو نمی آورند.

دره به دستان و چماقداران طالبانی مست و خرامان ته و بالا دویده و هر عابری را با چوب و دره می زنند. تعدادی از این طالبان رشوت خور با اخذ پول از مسافرانی که توان و میل پرداخت رشوه دارند، آنها را بدون نوبت از قطار مردم گذشتانده و به آن سوی مرز عبور می دهند.

این راهرو همانند قفسی از سه جهت با سیم آهنی گرفته شده و از پائین آن گرد و خاک بالا شده و به سر و روی مردم می نشیند. اما آن طرف مرز ظاهر دیگری دارد. همه راهرو ها کانکریتی بوده و چهار طرف با تعمیرات و تزئینات مزین گردیده است.

تو گوئی که ویرانی ما آبادی توست. در پیش روی قطار و اطراف آن ریاست گمرک تورخم و بانک های متعددی واقع گردیده است و تعداد زیادی از طالبان پاچه بلند در اطراف گمرک خمیازه می کشند تا توانسته باشند با عبور عراده های باردار از مرز، چیزی هم به دست ایشان برسد. از طرف شب که به طرف افغانستان نگاه می کنی، همه جا در تاریکی فرو رفته است، اما آن سوی مرز روشن و چراغان است.

تو را ویرانه می بینم

و آن جا سبز و آباد است

تو از ناآرامی من

آباد گردیدی.

امیدم این بود روزی

خراب آباد ما هم

به آبادی رسد آخر...